



”
دسته دسته
اهالی زرآباد
از روستاهای
مختلف برای
عیادت او به
دفتر جهاد
آمدند و با در
آغوش گرفتنش
به زبان بلوچی
به او می‌گفتند
"واجا احمد،
پهل کن" به
معنی برادر
احمد حلال کن

مناطق می فرستاد. همان شب حضور تیم مستندساز، به جهاد اطلاع می‌دهند که مار پای یک نفر را گزیده است. بچه‌های جهاد هم مثل همیشه برای درمان، وسایل لازم را آماده می‌کنند تا به بالای سر بیمار بروند. تیم مستندساز به هر طریقی با بچه‌های جهاد همراه می‌شوند تا از یکی از مشکلات منطقه تصویربرداری کنند. مجتبی پیشوایی در آن شرایط، علت خوشحالی آنها را متوجه نمی‌شود و با ناراحتی می‌گوید یک نفر را مار گزیده است آن وقت شما به فکر فیلم گرفتن خود هستید! علت خوشحالی آنها این بود که هر آنچه برای روایت نیاز داشته‌اند مانند تاریکی، مردم پابرنه و کپر، به صورت واقعی در آن شب اتفاق می‌افتد که در مدتی بعد تحت مستند «هفت قصه از بلوچستان» گروه روایت فتح با صدای دلنشین مرتضی آوینی، از تلویزیون پخش می‌شود. بیشتر جهادگران مثل مجتبی پیشوایی که اولین بار اسم زرآباد را شنیده بودند با خودشان فکر می‌کردند که احتمالاً زرآباد یکی از روستاهای نزدیک زاهدان است. آنهایی در جهاد زرآباد ماندگار شدند که آب و هوای گرم منطقه خودشان با زرآباد مشابه بود، مثل حاج احمد واحسان طاهری که اهل کاشان بودند و یا مجتبی پیشوایی، ابوالقاسم افسر و مجید زارع که هر سه اهل قم بودند.

از زمان قبل انقلاب زیرساخت برق زرآباد تا حدود زیادی ایجاد شده بود. بهمن ماه تولد دوباره مردم زرآباد هم به حساب می‌آمد؛ چون اولین بار جهاد در بهمن ۱۳۵۸ برای آبادانی پا به زرآباد گذاشته بود و در واقع این جشن تولد را هر سال پدر و مادر برای فرزندانشان بهتر و باشکوه‌تر برگزار می‌کردند. بزرگترین مراسم در زرآباد، جشن ۲۲ بهمن به حساب می‌آمد که با اطلاع رسانی قبلی در مساجد روستاها، اکثر اهالی زرآباد آن روز را به جهاد می‌آمدند؛ حتی به دلیل آنکه در بعضی روستاها ماشین یا موتور به اندازه کافی برای رفت و آمد وجود نداشت و یا اینکه مسافت طولانی بود؛ بنابر درخواست اهالی، جهاد تمام ماشین‌های خود را به آن

